

راهکارهای قرآنی برای پیشگیری از گناهان اجتماعی

علی صادقی^۱

زهرا ربانی تبار^۲

چکیده

قرآن راهکارهای متعددی برای پیشگیری از گناهان اجتماعی ارائه نموده است. این راهکارها در سه حیطه باورها و عقاید، تمایلات و گرایشات و کنش و رفتار می‌باشد. هرچند در زمینه پیشگیری از جرم از نگاه اسلام مقالاتی نوشته شده ولی جنبه نوآوری تحقیق حاضر این است که راهکارهای پیشگیری از گناهان اجتماعی را از سه منظر بینشی، گرایشی و کنشی بررسی نموده است که در تحقیق‌های مشابه سابقه ندارد. در پیشگیری بینشی به تبیین راهکارهایی مانند ایمان به خدای متعال، اعتقاد به نظارت الهی و تقویت ایمان به معاد پرداخته‌ایم. در پیشگیری گرایشی نقش تقوا، محبت الهی، یاد نعمت‌های الهی، صبر، توکل و کنترل دوستی را در جلوگیری از گناهان اجتماعی بررسی کرده‌ایم. در پایان به پیشگیری کنشی از جمله کیفرهای پیشگیرانه اعم از مجازات‌های دنیوی و اخروی، پیشگیری‌های اجتماعی، پیشگیری‌های اقتصادی و انجام عبادات پرداخته‌ایم.

واژگان کلیدی

قرآن، راهکار، پیشگیری، گناهان اجتماعی، پیشگیری بینشی، پیشگیری گرایشی، پیشگیری کنشی.

۱. دانش آموخته سطح ۴ حوزه و دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی

Email: sadeghi765@yahoo.com

۲. سطح ۲ حوزه و کارشناس ارشد رشته منابع اسلامی دانشگاه معارف اسلامی قم

Email: rabbanizahra1@gmail.com

پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۱۱/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۸/۱۹

مقدمه

گناهان اجتماعی، گناهایی است که در سطح جامعه نمود و بروز پیدا می‌کند. این گناهان مخرب نظام اجتماعی و از بین برنده نظم، امنیت، آسایش و اعتماد عمومی می‌باشد. پیشگیری از این گناهان و جلوگیری از انتشار آن‌ها را در ساختن جامعه‌ای سالم و عاری از انحرافات یاری می‌کند. پرسش اصلی تحقیق حاضر این است که قرآن به عنوان کتاب هدایت چه راهکارهایی را جهت پیشگیری از گناهان اجتماعی دارد. تحلیل آیات بی‌شماری از قرآن امکان ارائه راهکارهایی در جهت پیشگیری از گناهان اجتماعی را به دست می‌دهد. البته برخی از این راهکارها در گناهان فردی نیز مطرح می‌شود. هرچند در زمینه پیشگیری از گناه و جرم مقالات و کتبی نگاشته شده است ولی نوآوری تحقیق حاضر این است که در آن به تبیین راهکارهای پیشگیری قرآن از حیث بینشی، گرایشی و کنشی پرداخته که کاربردی‌ترین آنها در جامعه به سالم سازی جامعه کمک کرده و آن را از فساد و تباهی نجات می‌دهد و در مسیر رشد و تعالی و حفظ ارزشهای اخلاقی رهنمون می‌سازد.

پیشگیری بینشی

یکی از انواع پیشگیری، پیشگیری در حیطه بینش و عقاید است. عمده رفتارهای انسان برگرفته از بینش و اعتقادات وی می‌باشد. چنانچه شخص در مرحله عقاید از اعتقادات سالم و عاری از انحراف برخوردار باشد، در رفتار و عمل نیز از انحرافات و کجی‌ها دوری می‌گزیند؛ بنابراین پیشگیری در این حیطه، دارای اهمیت ویژه و مقدم بر پیشگیری گرایشی و کنشی است. برخی از موارد پیشگیری بینشی در قرآن آورده می‌شود:

ایمان به خدای متعال

چیزی که به انسان هدف می‌دهد و مسیر زندگی او را مشخص می‌کند، اعتقاد و ایمان به خالق هستی است که همچون سدی مانع ورود به گناه می‌شود. مؤمن به خدای متعال به جای سردرگمی و احساس پوچی دارای زندگی هدف دار و با انگیزه می‌باشد.

انسانی که به خدای متعال ایمان دارد به جای هر نوع تکیه گاهی تنها به او تکیه می‌کند و از همین رو آرامش خاصی دارد. این آرامش ناشی از ایمان به خدای متعال، خود عامل مؤثری در پیشگیری از وقوع جرم و انحرافات اجتماعی است (جاویدی، ۱۳۹۲: ۲۰۳). و حاکی از این است که مؤمنان خود را به پایگاه محکمی بسته اند که در ورطه انحرافات نمی‌افتند (سادات، ۱۳۸۰: ۵۴). انسانی که به خدای متعال اعتقاد راستین دارد، آنچنان بزرگی در خود احساس می‌کند که با نهایت سعی می‌کوشد تا دامن خود را به گناه آلوده نکند و این باور درونی سدی در برابر تمام گناهان اجتماعی می‌باشد. آیه ۴ سوره فتح می‌فرماید: ﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ

«وَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ فَامْنُوا بِاللَّهِ وَارْتَبِعُوا صَوْتَكُمْ فَاتْرَفَ فِيكُمْ ذُرِّيَّتَهُمْ إِنَّهُمْ كَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا»؛ «اوست که اطمینان را بر قلوب مؤمنان نازل کرد تا اضافه کنند ایمان را با ایمانشان، جنود آسمانها و زمین خاص خداست و او دانا و حکیم است.»

علامه طباطبایی در بیانی ذیل آیه فوق رابطه تنگاتنگ ایمان و عمل را متذکر می‌شود که شدت و ضعف می‌پذیرد و هر چه ایمان به خدای متعال بیشتر شود، در عمل نیز انسان مراقبت بیشتری می‌کند در نتیجه کمتر مرتکب گناه می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴ق: ص ۲۵۹). باید دانست که ایمان از طریق بندگی خدا و عبادت حق و ترک عبادت شیطان بدست می‌آید (بهاء‌الدینی، ۱۳۷۵: ۲۱۲) و مؤمن واقعی به سمت گناهان و اموری که مورد غضب خدای متعال است حرکت نمی‌کند؛ زیرا به خاطر ایمانی که به خدای متعال دارد، تمام توجه او به ذات باری تعالی است و تلاش می‌کند برای رضای خدای متعال دامن خود را به گناه آلوده نکند.

اعتقاد به نظارت الهی

در آیاتی از قرآن بر علم و آگاهی خدای متعال نسبت به تمام اعمال و رفتار انسان تأکید شده است. همانطور که در پیشگیری وضعی یکی از روشها، کنترل محل وقوع جرم با نیروی پلیس و نگهبان است، در قرآن هم بر این نکته تأکید شده که خدای متعال برترین نگهبانان و شاهد و ناظر اعمال انسان می‌باشد؛ لذا هر کس در هر جا جرمی انجام دهد از دید خدای متعال پنهان نمی‌ماند. علاوه بر خدای متعال شاهدان دیگری از جمله ملائکه، پیامبران و حتی خود اعضا و جوارح انسان وجود دارند که در روز قیامت به نفع یا ضرر انسان شهادت می‌دهند. با اعمال این کنترل و نظارت شدید کمتر کسی مرتکب جرم و جنایت خواهد شد. مواردی از آیات که بیانگر نظارت الهی عبارتند از: «إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (انفال: ۸)، «وَأَلَلَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (انفال: ۸)، «وَأَلَلَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» (انفال: ۸)، «وَأَلَلَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» (توبه: ۹)، «وَأَلَلَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» (توبه: ۹)، «وَأَلَلَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ» (توبه: ۹).

خداوند در آیه ۱۴ سوره علق می‌فرماید: «أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَىٰ» «آیا او نمی‌داند که خداوند همه اعمالش را می‌بیند؟!» توجه به این واقعیت که هر کاری را انسان انجام می‌دهد در پیشگاه خدا است، و اصولاً تمام عالم هستی محضر خدا است و چیزی از اعمال و حتی نیات آدمی از او پنهان نیست، می‌تواند بر برنامه زندگی انسان اثر زیاد بگذارد و او را از خلافکاری‌ها باز دارد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۷/۱۶۷) بر اساس آیه فوق خدا سرکشان تکذیب‌گر را تحت نظر دارد و همه‌ی کارهایشان را می‌بیند و ثبت می‌کند و در نهایت به حساب آنان رسیدگی می‌کند (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۲۷۳).

انسانی که یقین داشته باشد همه اعمال او مورد نظارت خدای متعال است در محضر او دامان خود را به گناه آلوده نمی‌کند.

تقویت ایمان به معاد

در قرآن کریم آموزه‌های فراوانی در مورد جهان پس از مرگ و تجدید حیات انسان در آن جهان و رسیدن به نتیجه اعمالی که انسان در حیات مادی انجام داده، وجود دارد که اعتقاد عمیق به آنها یکی از سازکارهای دینی کنترل رفتار محسوب می‌شود.

هزار و دویست آیه (نزدیک به یک پنجم قرآن) از روز قیامت، کیفیت حشر اموات، میزان و حساب ضبط اعمال، بهشت و جهنم و جاودانگی عالم آخرت سخن گفته است. این حجم وسیع از آیات تأثیر بسزایی در بازدارندگی انسانها از ارتکاب گناهان دارد. برخی آیات از اثرات سوئی که انکار معاد برای فرد و جامعه پدید می‌آورد، سخن گفته و اشاره به این نکته کرده است که انکار معاد زمینه ساز گناهان در اجتماع می‌شود. در ذیل برخی از آیات را بررسی می‌کنیم.

آیه ۴ سوره نمل می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ زَيَّنَّا لَهُمْ أَعْمَالَهُمْ فَهُمْ يَعْمَهُونَ﴾ «آنان که به آخرت ایمان نمی‌آورند اعمالشان را بر آنها مزین کرده‌ایم، در زندگی سرگردانند.»

انکار معاد سبب زینت اعمال و کوری باطن می‌شود. مراد از ﴿زَيَّنَّا لَهُمْ﴾ مطابق برخی تفاسیر این است که شیطان اعمال آن‌ها را تزئین می‌کند و در کلام مجاز وجود دارد (کاشانی، ۱۴۱۰ق: ۵/ ۷۲) طبق برخی تفاسیر مراد این است که آنان عمل خود را صالح می‌پندارند (فیضی دکنی، ۱۴۱۷ق: ۴/ ۱۶۷) در تفسیر دیگر آمده است که مجازی در کار نیست و مراد این است که خدای متعال این اعمال را محبوب نزد آنان قرار می‌دهد؛ به گونه‌ای که باعث حیرت آنان می‌گردد (حائری تهرانی، ۱۳۷۷: ۷۹/ ۸).

طبق آیه فوق آلودگی در نظر منکرین معاد پاکی، زشتیها نزد آنها زیبا، پستیها افتخار، و بدبختیها و سیه‌روزیها سعادت و پیروزی محسوب می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۵/ ۳۹۸) چنین کسانی به آخرت اعتقاد ندارند و آنها می‌مانند و دنیا و معلوم است که دنیا هم نمی‌تواند غایت اعمال قرار گیرد، پس این بی‌نویان که دست به دامان اعمال خود می‌زنند، در راه زندگی متحیر و سرگردانند، زیرا هدفی ندارند تا با اعمال خود به سوی آن هدف بروند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۱۵/ ۳۴۰)

کسی که به روز جزا اعتقاد ندارد کسی است که یتیم را به زور از در خانه خود می‌رانند، و به او جفا می‌کند، و از عاقبت عمل زشتش نمی‌ترسد، و اگر روز جزا را انکار نمی‌داشت چنین جرأتی را به خود نمی‌داد، و از عاقبت عمل خود می‌ترسید، و اگر می‌ترسید به یتیم ترحم می‌نمود. مردم را به اطعام طعام مسکین تشویق نمی‌کند. و از نمازش غافل و ریا است. یکی از معانی ماعون زکات است؛ یعنی منکرین معاد زکات نمی‌دهند (طیب، ۱۳۷۸: ۱۴/ ۳۴۱؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۱ق: ۲۰/ ۴۸۷) در

حقیقت منکر قیامت داعی و انگیزه برای ترک گناهان ندارد و احساس آزادی در ارتکاب گناه می‌کند؛ در نتیجه مرتکب انواع گناهان از جمله گناهان اجتماعی که در آیات سوره ماعون ذکر شده، می‌شود.

پیشگیری گرایشی

در قرآن راهکارهایی در گرایش و تمایلات انسان برای پیشگیری از گناهان آمده که عبارتند از:

تقوا

حفاظت نفس از آلوده شدن به ناشایستگی‌ها، تقواست و به عنوان یکی از هدفهای اساسی تربیت که نقش مهمی در نیل انسان به هدف غایی دارد، در مکتب اسلام مطرح است.

تقوا از «وقایه» به معنای محافظت کردن (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۵۰۳) و دفع چیزی به غیر آن است (ابن فارس: ۱۶/ ۱۳۱) تقوی نیز به معنای محافظت کردن نفس از آلوده شدن به گناه و آنچه می‌ترسد، بکار رفته است (راغب اصفهانی، همان). در اصطلاح شرع تقوا عبارت از «حفظ نفس از گناه و از آنچه شایسته نیست انجام شود، منظور این است که در دیدگاه دین تقوا یک هدف تربیتی است؛ یعنی هر فرد باید به گونه‌ای پرورش یابد که بنیان کردار، رفتار و گفتار خویش را بر اساس تقوای الهی پایه‌گذاری کند.» (فقیهی، ۱۳۷۶: ۲۲)

یکی از آثار تقوا در پیشگیری از گناهان اجتماعی این است که نفس انسان هنگام قرار گرفتن در شرایط گناه متوجه وسوسه‌های شیطانی می‌شود و با مقاومت، خود را از آلوده شدن به گناه حفظ می‌کند. این ویژگی تقوا در آیه ۲۰۱ اعراف مطرح است: ﴿إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَٰغِیْفٌ مِّنَ الشَّیْطٰنِ تَدَّكَّرُوا فَاِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ﴾ «افراد متقی آن هنگامی که گروههای شیطانی آنان را وسوسه می‌کنند، آنها بصیرت پیدا کرده مقاومت می‌نمایند. در حالی که شیاطین افراد دیگر را به گمراهی می‌کشاند و در کار خود هیچ کوتاهی نمی‌کنند.»

در قرآن با بیان‌های متعددی سفارش به تقوا شده است و آثار معنوی و دنیوی فراوانی برای تقوا پیشه کردن بیان گردیده است. آثاری همچون:

الف) نترسی و محزون نشدن (اعراف (۷): ۳۵) این بیان تشویقی است برای انسان تا تقوا و ملکه ترک جرایم الهی را تحصیل کند. آرامش حقیقی در سایه‌ی تقوا و اصلاح است (قرائتی، ۱۳۸۳: ۴/ ۶۰). این آرامش که در سایه تقوا به وجود می‌آید آرامش درونی برای انسان ایجاد می‌کند که حفاظت از ارتکاب گناه را برای انسان آسان می‌کند.

ب) نزول برکات آسمانی و زمینی (اعراف (۷): ۹۶) برخی گفته‌اند مراد از برکات آسمانی باران و برکات زمینی مثل میوه و درخت و امثال آن است (فخر رازی، ۱۴۱۰ق: ۷/ ۱۹۲). و برخی این احتمال را

داده‌اند که منظور از برکات آسمانی برکات معنوی و منظور از برکات زمینی برکات مادی باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱/۶: ۲۶۱).

ج) شمول رحمت الهی (اعراف (۷): ۱۵۶) امید به دریافت رحمت الهی در دنیا و آخرت زمینه‌ساز جلوگیری از گناه است.

د) نیکو بودن آخرت (اعراف (۷): ۱۶۹) انسان‌های با تقوا سرمایه‌گذاری بیشتری برای آخرت انجام می‌دهند و تمام تلاش خود را برای گناه نکردن به منظور عاقبت به خیری در آخرت انجام می‌دهند.

ه) شناخت حق از باطل (انفال (۸): ۲۹) فرقان به معنای نیرویی است که به وسیله آن شخص بین حق و باطل فرق قائل می‌شود. در حقیقت تقوا سبب بصیرت در فرق‌گذاری بین حق و باطل می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۱۸۶).

و) جلب محبت الهی (توبه (۹): ۴ و ۷) محبت محبوب خود باعث پرهیز از گناهانی است که نزد محبوب ناشایست است.

تأکید بر محبت الهی

محبت دوست داشتن زیاد و میل شدید به چیزی است و در مورد خدا، لازمه ایمان حقیقی و باطنی است. محبت و ایمان کار دل است و انسان‌های با ایمان حقیقی و قلبی، بالاترین محبت را به خدا دارند. در سوره بقره آیه ۱۶۵ خدای متعال می‌فرماید: «الذین آمنوا اشدّ حباً لله؛ آنان که ایمان دارند محبت شدید به خدا دارند.»

مؤمنان هرگز ذات پاک الهی را که منبع همه کمالات است رها نمی‌کنند. هر میل و محبتی در برابر عشق خدا در نظرشان بی ارزش و ناچیز است، اصلاً آنها غیر او را شایسته عشق و محبت نمی‌بینند، جز به خاطر او، و در راه او کار نمی‌کنند و در دریای بیکران عشق خدا غوطه‌ورند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱/۵۶۵) محبت ایشان به خدا پایانی ندارد، بخلاف محبت دنیایی که به جهت اغراض فاسد موهوم است و به‌آدنی سببی زایل می‌شود (کاشانی، ۱۴۱۰: ۱/۳۵۸).

یکی از مهمترین علل گناهان لذت لحظه‌ای گناه است و آدمی بر اثر تزئین شیطان آن را لذت باقی می‌پندارد. کسی که قلبش آکنده از محبت خداست، از تمام لذات دنیایی دل می‌کند و لذت او تنها کسب رضایت خدا و بندگی اوست (صادقی، ۱۳۹۱: ۳۲).

محبت واقعی به خدای متعال انسان را به اطاعت و پیروی از او وادار ساخته و در نتیجه انسان رفتار خود را بر اساس خواست و اراده خدای متعال تنظیم می‌کند (خسروشاهی، ۱۳۹۳: ۴۳). به بیان یکی از بزرگان، جوار الهی جای دل پاک از اغیار است و همه تکالیف و وظایف عبودی برای تطهیر دل از غیر حضرت معبود و تأدیب آن به ادب توحید و به عبارتی به آداب عبودیت است. پاک گردیدن دل از اغیار به نحوی که صلاحیت ورود به جوار قدس الهی را به دست آورد، جز با

التزام انسان به همه تکالیف و وظایف عبودی حاصل نمی‌شود، آن هم دقیقاً به همان صورت که در قرآن و روایات بیان شده است (شجاعی، ۱۳۸۹: ۱۷).

کسی که قلب او مالا مال از محبت به آفریدگارش است به علت اتصال به منبع لا یزال الهی آن چنان بزرگی در وجود خود احساس می‌کند و آن قدر برای خود ارزش و اعتبار قائل است که دامان خود را به گناه آلوده نمی‌کند و قلبی را که به سبب محبت الهی نورانیت یافته به سبب گناه تیره و تار نمی‌کند.

یاد نعمت‌های الهی

یاد نعمت‌های الهی نیز یکی از موانع فساد و گناه است. خدای متعال با فراهم کردن نعمت‌های مختلف برای بشر در زمین، زمینه را برای شکرگذاری و خوب بودن انسان فراهم کرده است. در واقع خدا نعمت را بر انسان تمام کرده تا بندگی او را بیازماید. در آیه ۷۴ اعراف می‌خوانیم: «وَأَذْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلُقَاءَ مِنْ بَعْدِ عَادٍ وَبَوَّأَكُمْ فِي الْأَرْضِ تَتَّخِذُونَ مِنْ سُهُولِهَا قُصُورًا وَتَنْحِتُونَ الْجِبَالَ بُيُوتًا فَاذْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ وَلَا تَعْتَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ» «یاد آرید آن دم که شما را از پس قوم عاد جانشین (آن‌ها) کرد و در زمین قدرتتان داد که در دشتهای آن کاخ می‌سازید و از کوه‌ها خانه می‌تراشید پس نعمتهای خدا را به یاد آرید و در زمین به فساد مکشید.»

در آیه ۸۶ اعراف نیز نعمتی دیگر را می‌شمرد و انسان‌ها را از عاقبت فساد بیم می‌دهد «وَأَذْكُرُوا إِذْ كُنْتُمْ قَلِيلًا فَكَثَّرَكُمْ وَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ» «یاد آرید آن دم که کم بودید، خدا عده‌تان را زیاد کرد و بنگرید عاقبت مفسدان چگونه بود.» خدای متعال در آیه فوق به یادآوری این که انسان‌ها به تدریج با ازدیاد نسل از کمی به زیادی تبدیل شدند، امر نموده است. این یکی از نعمت‌های بزرگ خدا بر نوع انسان است؛ زیرا انسان قادر نیست به تنهایی زندگی کند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۹/ ۱۹۸).

توکل بر خدا

بر اساس آموزه‌های قرآن، انسان باید اعتقاد داشته باشد که همه چیز از ناحیه خداست و هرچه به ما می‌رسد تحت تدبیر اوست. با چنین دیدی در تمام مشکلات و سختی‌ها انسان بر خدا توکل می‌کند. توکل به معنای آماده‌سازی مقدمات کار و تلاش کامل و سپس تکیه و اعتماد بر قدرت بیکران الهی است، نه به معنای رها کردن کارها (بهجت پور، ۱۳۸۵: ۱۹۲). در معنای توکل آمده است: «توکل واگذاری امور به خدای متعال و رضایت به تدبیر او و اعتماد به حسن انتخاب خدای متعال است.» (طوسی، بی‌تا: ۵/ ۲۳۴)

چنین کسی به علت توکل به خدای متعال در سختی‌ها و مشکلات، خود را نمی‌بازد و در این شرایط مرتکب گناه و معصیت نمی‌شود. چنین توکلی زمینه ایستادگی و مقاومت در برابر گناه را در او به وجود می‌آورد.

در آیه ۵۱ توبه به این مضمون اشاره شده است: «قُلْ لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ» «بگو: هرگز بما نمی‌رسد؛ مگر آنچه خدا برای ما نوشته است او سرپرست ماست، مؤمنان بر خدا توکل کنند.»

انسان با توکل به خدای متعال به آرامشی در زندگی دست می‌یابد که این آرامش و طمأنینه یکی از عوامل پیشگیری از گناهان اجتماعی است. تربیت دینی و شناخت حقیقی مبانی دینی همچون توکل به خدای متعال زیر بناهای فکری افراد را تغییر داده و آنها را در مسیر رشد و تعالی فردی و اجتماعی سوق می‌دهد.

برحذر داشتن از گناهان ریشه‌ای

قرآن در مورد اجتناب از همه گناهان دستور دارد و انسان‌ها را از آن برحذر داشته است؛ ولی نسبت به برخی از گناهان که ریشه بسیاری از گناهان دیگر است، تأکید ویژه دارد. در اینجا به عنوان نمونه به دو مورد اشاره می‌کنیم.

الف) پرهیز از دروغ

دروغ گناه بزرگی است که منشأ بسیاری از گناهان است. دروغ قبیح‌ترین و بدترین گناهان و خبیث‌ترین عیب‌هاست. رسول خدا فرمود: «ایاکم والکذب فإن الكذب یهدی الی الفجور والفجور یهدی الی النار؛ از دروغ پرهیزید؛ زیرا دروغ به بدکاری می‌کشاند و بدکاری آدم را به جهنم می‌رساند.» (نراقی، ۱۳۷۷: ۲/ ۴۲۵)

ب) اجتناب از حسد

حسد نیز از گناهانی است که سرچشمه بسیاری از گناهان است. حسد عبارت از صفت نفسانی که به معنای «تمنی زوال نعمة الغير؛ آرزوی زایل شدن نعمت دیگری» است (مشکینی، ۱۳۸۶: ۲۳۹). در نکوهش حسد همین بس که نخستین قتلی که در جهان واقع شد از ناحیه «قابیل» نسبت به برادرش «هابیل» بر اثر انگیزه «حسد» بود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۷/ ۴۶۲).

در آیه ۵ سوره فلق می‌فرماید: «وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ» «از شر حسود وقتی حسادت می‌کند» در مورد قید «إِذَا حَسَدَ» تفاسیر تعبیر مختلفی دارند. در برخی از تفاسیر آمده است؛ یعنی آثار حسادت را آشکار کند (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۱۴/ ۳۹۲؛ کاشانی، ۱۴۱۰ق: ۳/ ۱۷۳۸؛ طبرسی،

۱۳۷۷: ۴/ ۵۶۴). طبق تفسیری مراد این است که به مقتضای حسد خود عمل نماید (فیض کاشانی، ۱۴۱۸: ۵/ ۳۹۵).

آیات متعدد دیگری حسادت را مورد نکوهش قرار داده است؛ از جمله آیه ۵۴ سوره نساء، آیه ۱۰۹ سوره بقره و آیه ۳۲ سوره نساء. گرچه این آیات در مقام نکوهش حاسدان است اما ضمناً می‌فهماند که حسد آرزوی زوال نعمت و فضل الهی است که به برخی از بندگانش ارزانی داشته است در برابر غبطه که آرزوی داشتن آن نعمت‌ها است نه زوال آن از دیگران (مهدوی کنی، ۱۳۸۶: ۱۱۸).

حسادت بین افراد جامعه سبب کینه، تهمت، دورویی، اقدام بر علیه یکدیگر می‌شود و حسادت بین سران یک جامعه سبب گسترش نفاق و از بین رفتن آرامش جامعه می‌گردد؛ در نتیجه پرهیز از حسادت باعث ترقی همه افراد جامعه، یکدلی، بکرنگی انسان‌ها و پیشگیری از گناهان اجتماعی می‌گردد.

کنترل دوستی

از جمله خصوصیت‌هایی که در میان موجودات و آفریده‌های الهی مختص انسان است مسئله تأثیرپذیری انسان از هم نوع خودش می‌باشد. دوست در زندگی انسان و در سعادت و شقاوت وی تأثیر بسزایی دارد از همین رو مسئله انتخاب و گزینش در دوست یابی به عنوان یک اصل و قانون مطرح می‌باشد. دوستان را نباید به‌طور تصادفی برگزید؛ بلکه از روی انتخاب و شناخت ملاک و شرایط باید انتخاب کرد (حسنی، ۱۳۷۹: صص ۱۲۵-۱۲۰).

دوستی مؤمنان ادامه‌دار می‌باشد و حتی تا قیامت باقی خواهد ماند. سر اینکه متقین با هم دوست هستند اینست که لاحقین کمال امتنان را از سابقین دارند که شما ما را هدایت کردید و ما به‌وسیله شما نجات پیدا کردیم و به‌نعمت بهشت نایل شدیم (طیب، ۱۳۷۸: ۵/ ۳۱۷).

در مقابل برخی از دوستی‌ها به دشمنی تبدیل می‌شود. در آیه ۶۷ سوره زخرف آمده است: «الْأَخِلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ» «دوستان در این روز برخی دشمن یکدیگر خواهند بود.»

همچنین در آیه ۲۸ اعراف در این زمینه می‌خوانیم: «كَلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعْنَتٌ أُخْتَتَهَا» «هر گاه گروهی داخل می‌شدند گروه دیگر را لعنت می‌کرد.» علت لعنت این است که آنان را سبب بدبختی و مسئول گرفتاری خود می‌دانند؛ (مکارم شیرازی، ۱۴۲۱: ۵/ ۳۹) زیرا با اقتدا به آنان موجب گمراهی‌شان شده است (فیض کاشانی، ۱۴۱۸: ق: ۱/ ۳۷۰).

نکته اصلاحی آیه این است که تمام دوستی‌ها و روابط باید در راستای راه الهی باشد تا به انحراف کشیده نشود. ارتباط با دیگران و دوستی تأثیر به‌سزایی در اعمال انسان دارد و اگر می‌خواهد تبدیل به لعن و نفرین در روز قیامت نشود در انتخاب دوستان و همراهان دقت کند. همنشین و دوست ناباب انسان را به تباهی می‌کشاند؛ در نتیجه انسان باید در انتخاب دوست

دقت کند تا از به تباهی کشیده شدن پیشگیری کند.

دعوت به صبر

صبر کردن اثر اصلاحی فراوانی در پیشگیری از گناه و عصیان و سرکشی دارد. آن گونه که در روایات آمده است صبر بر سه گونه است: «الصبر ثلاثة صبر على المصيبة و صبر على الطاعة و صبر على المعصية؛ صبر بر سه گونه است: صبر بر مصیبت، معصیت و بر طاعت.» (محمدی ری شهری، ۱۳۶۲: ۵/۲۶۷)

هر سه نوع صبر، اثر اصلاحی اخلاقی بر پیشگیری از جرم و عصیان دارند. صبر بر معصیت به معنای استقامت در مقابل شیطان و هوای نفس برای جلوگیری از جرم الهی است. صبر بر مصیبت هم به معنای صبر در بلاها و آزمایشات مختلف الهی است و نتیجه آن پرهیز از گناهان همچون کفر و عصیان بر خدا. و صبر بر طاعت نیز نتیجه اش جلوگیری از ترک واجبات الهی است. آیات فراوانی همچون آیه ۱۲۸ و ۱۳۷ سوره اعراف و ۴۶ انفال انسان را دعوت به صبر می کند.

در تعامل اجتماعی مهمترین عامل تأثیر گذار، خصوصیات و ویژگی های اخلاقی هستند که افراد جامعه آن را دارند. بدیهی است که هر چه این ویژگی انسانی تر و متعالی تر باشد، روابط اجتماعی لطافت و سازندگی بیشتری خواهد داشت و چنانچه این ویژگی ها غیر انسانی و بر خاسته از روحیه خود خواهی، منفعت طلبی و بی توجهی به حقوق و مصالح اجتماعی دیگران باشند، روابط دیگران با یکدیگر تنش زا می شود (خسروشاهی، ۱۳۹۳: ۶۳)؛ در نتیجه آراسته بودن افراد جامعه به فضایل اخلاقی از جمله صبر سبب آرامش و طمانینه در اجتماع می گردد و جنبه بازدارندگی از گناهان اجتماعی دارد.

پیشگیری کنشی

کنش در لغت به معنای کردار و عمل است. پیشگیری کنشی مجموعه ای اقدامات عملی است که یا باید از سوی جامعه و حکومت اعمال گردد تا مانع از تحقق گناه گردد و یا از سوی خود شخص انجام گیرد.

یکی از پیشگیرهای کنشی پیشگیری کیفی است که در ذیل به آن می پردازیم.

کیفرهای پیشگیرانه

به اعتقاد کیفر شناسان یکی از مهمترین کارکردهای اعمال کیفر، تأثیرگذاری بر اراده کسانی است که ممکن است در آینده مرتکب جرم شوند. این تأثیرگذاری که موجب انصراف اراده مجرمانه به سمت رفتارهای قانونی می شود از طریق فرایند ارباب و ترس ناشی از اعمال مجازات تحقق می یابد. البته این نوع تأثیر گذاری صرفاً ناشی از اجرای مقررات کیفری نیست؛

بلکه وضع این قوانین نیز می‌تواند چنین تأثیری را بر رفتار انسانها داشته باشد. این مطلب را در خصوص گناهان بویژه گناهان اجتماعی نیز می‌توان مطرح نمود. با این توضیح که در آموزه‌های قرآن برای گنهکاران مجازات‌های متعددی در نظر گرفته شده است و به آنها وعده عذاب داده شده است. صرف این وعده و انذار می‌تواند جنبه پیشگیرانه نسبت به ارتکاب گناهان داشته باشد. پیشگیری از وقوع جرم و بازدارندگی عمومی به‌عنوان مهمترین هدف نظام‌های کیفری پیشرفته از جمله اهدافی است که در نظام کیفری قرآن نیز مورد توجه قرار گرفته است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۸۶؛ منتظری، ۱۳۸۷: ۶۸۹) مجازات قرآنی به دو دسته مازات دنیوی و اخروی تقسیم می‌شوند.

مجازات دنیوی

یکی از مهمترین اهداف مجازات‌ها جنبه بازدارندگی آن است. این هدف در قرآن نیز به‌خوبی منعکس شده است. هرچند یکی از مهمترین اهداف مجازات‌ها در اسلام تأمین عدالت اجتماعی است (هدوی تهرانی: ۸۹)؛ ولی هدف بازدارندگی و پیشگیری نیز از اهمیت ویژه برخوردار است. اگر از دیدگاه اسلام هدف از اجرای مجازات صرفاً اجرای عدالت باشد، نیازی به اجرای علنی و آشکار این مجازات‌ها نیست. چون این هدف در اجرای غیر علنی نیز تحقق می‌یابد؛ اما چون هدف آن است که اجرای مجازات تأثیر بازدارنده نیز داشته باشد، در مواردی به اجرای علنی آن دستور داده شده است؛ از جمله در مورد مجازات زنا دستور داده شده است که باید عده‌ای شاهد بر اجرای این مجازات باشند (خسروشاهی، ۱۳۹۳: ۱۶۳).

طبق آموزه‌های قرآنی مجازات‌ها و کیفرها نتیجه اعمال انسان بلکه تجسم و ذات آن اعمال است. برخی از این عذابها و مجازاتها در دنیا و برخی در آخرت است. در آیه ۵۵ توبه خدای متعال تصریح کرده که عذاب دنیوی هم وجود دارد ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا﴾. وجه عذاب دنیایی مطابق برخی تفاسیر عبارت است از سختی که شخص در جمع و حفظ اموال و مصیبت‌هایی که در این راه به او وارد می‌شود (عاملی، ۱۳۶۰: ۲/۲۲؛ نیشابوری، ۱۴۱۵: ۱/۳۸۱؛ عمر بیضاوی، ۱۴۱۸: ۳/۸۵؛ ابن عبییه، ۱۴۱۹: ۲/۲۳۹) و به تعبیری خود این غم و اندوه حاصل از تعلقات دنیایی مجازات به حساب می‌آید (شوکانی، ۱۴۱۴: ۲/۴۲۲).

همچنین آیات زیادی که در مورد عذاب‌های خدای متعال نسبت به اقوام پیامبران پیشین وجود دارد، حاکی از این نوع مجازات است. همچنین اهداف دیگری برای مجازات‌ها وجود دارد که در قرآن نیز به آن پرداخته است؛ مانند اصلاح و تربیت، حفظ نظام اجتماعی، پاک کردن مجرم و تکفیر گناه و جلوگیری از طغیان احساسات انتقام‌جویانه (مدبر، ۱۳۹۴: صص ۹۱-۸۶). در ذیل مواردی از مجازات‌های دنیوی نسبت به برخی گناهان اجتماعی بررسی می‌گردد:

الف) حدّ سرقت

آیه ۳۸ مائده می‌فرماید: ﴿وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جَزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِّنَ اللَّهِ﴾ «مرد دزد و زن دزد، دست‌های (راستشان) را ببرید کیفری است در مقابل عملشان و مجازات خدا است، خدا توانا و حکیم است.» فلسفه وضع مجازات سرقت حفظ اموال انسان است؛ زیرا سرقت محل امنیت مالی مردم و باعث از بین رفتن اعتماد و اطمینان بین انسان‌ها می‌شود (زحلی، ۱۴۲۲: ۶/۱۸۲).

ب) قصاص

یکی از مجازات‌های دنیوی که در قرآن به آن اشاره شده، قصاص قاتل است. وقتی این حکم اجرا شود، سبب جلوگیری از ارتکاب جرم می‌شود؛ زیرا شخص می‌داند اگر مرتکب قتل شود، قصاص می‌شود.

خدای متعال در آیه ۱۷۹ بقره می‌فرماید: ﴿وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَوةٌ يَا أُولِيَ الْأَلْبَابِ﴾ «ای خردمندان برای شما در قصاص زندگی هست تا از آدمکشی به پرهیزید.» حکمت اصلی به رسمیت شناختن و تأکید بر اجرای قصاص تأمین عدالت کیفری است که خود موجب بازدارندگی از گناهان در جامعه می‌شود. مقابله به مثل حق هر انسان است و مقتضای عدالت نیز همین می‌باشد. گرفتن حق حیات و کسب فیض از هستی مجازاتی ندارد؛ مگر همان کشتن قاتل. آیه ﴿وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِّثْلُهَا﴾ (شوری ۴۲: ۴۰) در این راستا است.

ج) حدّ زنا

یکی از گناهانی که قرآن برای آن مجازات سختی در نظر گرفته، زنا است؛ زیرا پیامدهای زنا در جامعه بسیار زیاد است. زنا سبب آسیب رساندن به کانون خانواده و دوری جوانان از ازدواج و باعث از بین رفتن امنیت آرامش اجتماعی می‌شود.

علت تشریح مجازات زنا این است که فسادهای فراوانی بر آن مترتب است؛ از جمله موجب قتل نفس، از بین رفتن نسب‌ها و ترک تربیت اطفال (صدوق، ۱۴۰۶: ۶۳۷).

مجازات زنا در آیه شریفه ۲ نور این‌چنین آمده است: ﴿الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَيْشَهِدَ عَدَايَهُمَا طَآئِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ «زن زانی و مرد زانی هر یک از آن دو را صد تازیانه بزنید، نسبت به آن دو شما را ترحمی در کار دین خدا نباشد، اگر به خدا و روز جزا ایمان دارید، و حتماً در تازیانه زدن به آنها گروهی از مؤمنان حاضر باشند.»

مجازات اخروی

یکی از راهکارهای بازدارنده گناه مجازات‌های اخروی است و صرف وعده‌ها و تهدیدهایی که خدای متعال در قرآن برای گناهان ذکر نموده است، عامل مهمی برای جازماندن از گناهان خواهد بود.

آیات فراوانی مرتبط به مجازات‌های اخروی است به‌طور نمونه آیه ۳۹ اعراف می‌فرماید: «وَقَالَتْ أُولَهُمْ لِأُخْرَبُهُمْ فَمَا كَانَ لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ» «پیشوایان به پیروان گویند: شما را بر ما هیچ برتری نیست، اینک به کیفر کارهایی که کرده بودید عذاب را بچشید» علت عذاب پیروان این است که با اراده و اختیار خویش مرتکب گناه شده‌اند (جرجانی، ۱۳۷۷: ۴/ ۱۷۱).

پیشگیری اجتماعی

با توجه گسترش شهر نشینی و تغییر فرهنگی، صنعتی شدن تغییر سبک زندگی زمینه بیشتری برای ارتکاب گناه فراهم شده است (کلدی، ۱۳۸۱: ۵۲).

با توجه به نقش جامعه در شکل دادن به شخصیت افراد و کنترل رفتار آنها، جرم‌شناسان معتقدند جامعه نقش مهمی در رفتارهای مجرمانه انسان دارد، به گونه‌ای که جامعه‌شناسان و حاکمان باید برنامه‌هایی را ارائه دهند تا در جامعه آرامش و امنیت به وجود آید تا زمینه ارتکاب گناه در جامعه کمرنگ شود. در آموزه‌های قرآنی نیز دستور العمل‌هایی اجتماعی ارائه شده است تا سبب تعادل ایجاد محیط آرام برای رشد اجتماعی همگانی فراهم شود.

نمونه‌هایی از راهکارهای اجتماعی برای پیشگیری از گناهان که در قرآن مورد تأکید قرار گرفته است در ذیل بررسی می‌شود. *گام‌های علمی و مطالعات فرهنگی*

دعوت به وحدت

اگر اختلافات اجتماعی از حد طبیعی فراتر رود، موجب تفرقه و پراکندگی جامعه می‌شود که نوعی بیماری اجتماعی است و خود زمینه ساز بسیاری از انحرافات و گناهان اجتماعی می‌شود. قرآن کریم ضمن برحذر داشتن از تفرقه، کشمکش‌های اجتماعی را موجب سستی خوانده است: «وَلَا تَنَزَعُوا فِتْنَشُلُوا» و لا تنازعوا فتشولوا؛ و با هم نزاع مکنید که سست شوید. (انفال: ۸) (۴۶) قرآن همچنین همگان را به وحدت و صلح فرا خوانده تا جامعه اسلامی به سامان رسد (بهجت پور، ۱۳۸۵: ۱۷۹). البته اختلاف نظر و سلیقه افراد در امور اجتماعی سیاسی و مذهبی امری طبیعی است؛ ولی چنانچه به صورت جناح بندی‌های حاد اجتماعی و سیاسی درآید و همراه تعصب لجاجت و رقابت منفی گردد، خطرناک می‌شود؛ (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۸۶/۶) زیرا آرامش جامعه به خاطر اختلاف و

تفرقه و دروغ افکنی و تهمت و افترا از بین می‌رود که بستر بسیاری از گناهان اجتماعی خواهد بود. همچنین موجب می‌شود که تمرکز سران کشور بجای حل مشکلات و تلاش در جهت رشد جامعه، به تخریب یکدیگر سوق پیدا کند.

در سوره آل عمران آیه ۱۰۳ در خصوص وحدت جامعه اسلامی می‌فرماید: ﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾ «و همگان دست در ریسمان خدا زنید و پراکنده مشوید.»
 خدای متعال در این آیه دعوت به اتحاد کرده و اتحاد نیازمند محور است و خدای متعال محور این وحدت است.

منظور از «حبل‌الله» دین خداست که ریسمان و رابطه‌ای ما بین خدا و خلق است. این جمله مسلمانان را به اتحاد و هم بستگی در راه خدا که از بزرگترین عوامل پیروزی است دعوت می‌کند (قرشی، ۱۳۷۷: ۲/۱۵۱).

وحدت و برادری بین مؤمنان و افراد جامعه سبب نزدیکی دلها و مودت و محبت نسبت به یکدیگر می‌شود و کینه و نفرت جای خود را به همدلی و مهربانی می‌دهد و در چنین شرایطی زمینه برای برنامه ریزی‌های فرهنگی و از بین بردن زمینه‌های جرم و گناه فراهم می‌شود.

گسترش عدالت

خدای متعال عادل‌ترین عادلان است و در تمامی احکام در اوامر خود عادلانه عمل می‌کند و از مسلمانان هم می‌خواهد جامعه‌ای عادلانه داشته باشند. بدیهی است با گسترش عدالت و رفع تبعیضها، جلو بسیاری از گناهان گرفته می‌شود. در واقع اگر عدالت حاکم باشد و هر کس به حقوق خود برسد زمینه‌ای برای پیشگیری از گناه ایجاد می‌شود.

در آیه ۲۹ اعراف می‌خوانیم: ﴿قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ﴾ «بگو پروردگرم امر به عدالت کرد.»
 اطلاق آیه تمام حیطه‌ها و قوانین جامعه را شامل می‌شود.

عدالت در جامعه نقش بسزایی در پیشگیری گناهان اجتماعی دارد و گسترش عدالت در اجتماع چه از طرف حکومت اسلامی چه از طرف افراد موجود در اجتماع سبب کاهش زمینه گناه می‌شود.

آیاتی در قرآن در خصوص عدالت‌ورزی والیان حکومت است و به آنان در زمینه گسترش عدالت دستور می‌دهد. خدای متعال در آیه ۵۸ نساء می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا﴾ «خدای متعال به شما دستور می‌دهد که امانات را به صاحبان آن برسانید و هنگامی که میان مردم داوری می‌کنید، از روی عدالت داوری کنید، خدای متعال پند و اندرزهای خوبی به شما می‌دهد، خدای متعال شنوا و بیناست.»

آیه ۱۳۵ سوره نساء حتی تأکید می‌کند که در صورتی که عدالت به ضرر شما باشد، باز از آن سرباز نزنید. این آیه می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ» «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، قائم به عدالت و گواهان برای خدا باشید هر چند به ضرر خود یا پدر و مادر و خویشان باشد.»

بی‌عدالتی در جامعه توسط حاکمان در یک کشور باعث ایجاد تبعیض، خشونت، فاصله طبقاتی، و عدم آرامش در اجتماع می‌گردد و این شرایط افراد جامعه را مستعد گناهان اجتماعی بشمار می‌کند. عدالت حاکمان زمینه‌های محرک گناهان بویژه گناهان اجتماعی که همان تبعیض و بی‌عدالتی است را از بین می‌برد.

بنابراین یکی از مهمترین پیشگیری‌های اجتماعی بر قراری مساوات و نفی هر گونه تبعیض در برابر قانون و در حقوق و تکالیف اجتماعی است (خسروشاهی، ۱۳۹۳: ۷۰). در نظام اسلامی بخش‌های اجرایی، باید به گونه‌ای طراحی و انتخاب گردند که بخل، خودخواهی، نادانی و بی‌تخصصی، ستم‌گری و بی‌عدالتی باعث ایجاد و گسترش نابسامانی نشود (بدی میانجی، ۱۳۸۸: ۷۱).

امر به معروف و نهی از منکر

طرح بحث امر به معروف و نهی از منکر به‌عنوان راهکار پیشگیری از گناهان اجتماعی به این علت است که چنانچه در احکام و دستورات قرآن دقت شود، ارتکاب معروف در کلیه محیط‌های مورد نظر در جرم‌شناسی با رعایت شرایط، اثر مطلوب دارد. حسن رفتار و رعایت حقوق زن و شوهر و اولاد در محیط خانواده، رعایت آداب در معاشرت‌ها در محیط فرهنگی، در واقع عمل به معروف است و در مقابل آنچه موجب تزلزل و عدم استحکام محیط‌ها می‌گردد، در مقوله منکرات جا می‌گیرد.

با انجام این تکلیف همگانی که نوعی مراقبت عمومی متقابل به شمار می‌آید، کل جامعه در مقابل خطرات و مضرات هنجار شکنی محافظت می‌شود. در جامعه اسلامی مردم با حضور و شرکت فعال به رویارویی با آسیب‌های اجتماعی و قانون شکنی‌ها بر می‌خیزند و در پاسداری از هنجارهای دینی به وظیفه دینی خود عمل می‌کنند (میرخلیلی، ۱۳۸۸: ۳۰۹).

در قرآن هم به این مسئله مهم با بیانات مختلف اشاره شده است. برخی آیات آورده می‌شود: الف) آیه ۷۱ توبه می‌فرماید: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» «مردان مؤمن و زنان مؤمن بعضی سرپرست و مسئول بعض دیگر هستند به معروف و امی‌دارند و از منکر باز می‌دارند و نماز می‌خوانند و زکاة می‌دهند و به خدا و رسول اطاعت می‌کنند، آنها را زود خدا رحمتشان خواهد کرد که خدا توانا و حکیم است.» در این آیه مؤمنان را در مقابل اشتباه یکدیگر مسئول قلمداد کرده است. آیه صریح است در

این که مؤمنان اعم از مرد و زن در پاکسازی جامعه اسلامی و ایجاد محیط توحیدی بر یکدیگر ولایت دارند (قرشی، ۱۳۷۷: ۴/ ۲۷۰).

ب) آیه ۱۱۰ سوره آل عمران می‌فرماید: ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ﴾ «بهترین امتی هستید که برای مردم پدید آمده، به معروف امر می‌کنید و از منکر باز می‌دارید و به خدا ایمان می‌آورید.» در این آیه وجه برتری امت اسلام را امر به معروف و نهی از منکر و ایمان به خدا قرار داده است که نشاگر این است که برای ایجاد یک جامعه اسلامی عاری از گناهان اجتماعی، امر به معروف و نهی از منکر ضروری است.

حجاب

یکی از نکاتی که در پیشگیری اجتماعی به آن توصیه می‌شود پوشاندن، مخفی کردن و دور از دسترس مجرم قرار دادن آماج جرم است. کاهش جاذبه آماج از راه‌های پیشگیری در جرم‌شناسی معرفی شده است (زرگری، ۱۳۹۰: ۹۴). مسئله حجاب که توسط قرآن و دین مبین اسلام بیان شده است هم دارای این جنبه از پیشگیری اجتماعی است؛ زیرا زنان با پوشش خود، از بسیاری از جنایات و جرایم در امان می‌مانند. در آیه ۲۶ اعراف آمده است: ﴿يَبْتِغِي عَادَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُورِي سَوَاءَ تَكْفُمٍ﴾ «ای فرزندان آدم ما بر شما لباسی نازل کردیم که عورت‌های شما را می‌پوشاند.» دعوت به حجاب جنبه پیشگیری از گناهان اجتماعی خصوصاً گناهان منافی عفت و فحشا دارد و سبب حفظ فرد از گناه و حفظ جامعه از فساد و تباهی می‌شود.

تشویق به ازدواج

قرآن در آیه ۱۸۹ سوره اعراف علت ازدواج را رسیدن به آرامش ذکر می‌کند و می‌فرماید: ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا﴾ «او آن کس است که شما را از یک فرد آفرید و همسر او را از جنس او آفرید تا با او آرام گیرد.»

اگر بنیاد خانواده‌ها مستحکم باشد و جوانان به موقع ازدواج کنند؛ به طور محسوس از فسادها، بی بند و باریها، طغیانها، قتل، سرقتها، جنایت‌ها، ناامنی‌ها، تجاوزها، انحراف‌ها، اعتیادها و خودکشی کاسته خواهد شد؛ زیرا چنان که آمار نشان می‌دهد، اکثر این امور از افرادی سر می‌زند که از وجود کانون گرم خانوادگی محرومند (امینی، ۱۳۸۷: ۲۹).

انس بین زن و شوهر باعث ایجاد محبت و مودت می‌گردد (مغنیه، ۱۴۲۴: ۳/ ۴۳۴). زندگی مشترک موجب آرامش روحی می‌شود و کشتی طوفان زده جوانی را به ساحل امن می‌نشانند و بهداشت روانی او را فراهم می‌کند (رضایی اصفهانی، ۱۳۷۸: ۷/ ۳۲۰).

پس از ازدواج نیز، اسلام بر تحکیم خانواده تأکید کرده است که این امر موجب کاهش

زمینه‌های ارتکاب گناه در جامعه می‌گردد. خانواده از هم گسیخته و نابسامان خود زمینه‌ساز جرم و گناه خواهد بود (مهدوی، ۱۳۹۰: ۲۶۰).

دانش افزایی و اطلاع رسانی نسبت به عواقب گناهان

یکی از راهکارهای اجتماعی برای جلوگیری از گناهان بویژه گناهان اجتماعی، دانش افزایی و اطلاع رسانی نسبت به عواقب گناهان است.

در کتاب‌های پیشگیری از جرم یکی از راههایی که برای پیشگیری ارائه می‌شود این است که با آموزش‌های لازم وجدان افراد را نسبت به عواقب و آثار مترتب بر جرم بیدار نماییم. در این صورت شخص با درنظر گرفتن عواقب وخیم جرم و گناه در بسیاری از موارد از ارتکاب جرم منصرف می‌شود (محمد نسل، ۱۳۹۱: ۹۸).

آیات قرآن در موارد زیادی انسان را دعوت و تشویق به علم آموزی می‌کند. برخی از آن موارد در ذیل بررسی می‌کنیم.

در آیه زمر ۹ خدای متعال می‌فرماید: ﴿هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾ «آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند برابرند.» این آیه دلالت دارد بر این که کمال انسان در دو امر محصور شده است. در ابتدا عمل و در نهایت علم و مکاشفه (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۱۲/۴۲۸).

پیشگیری اقتصادی

فقر یکی از عوامل فشار اقتصادی و روانی بر مردم و زمینه ساز فساد اجتماعی و فردی است. فقر نه تنها موجب گناهان مالی بلکه در مواردی موجب گناهان منافی عفت و جنسی می‌گردد (عزیزی، ۱۳۹۲: ۱۱۰). قرآن کریم راههای زیادی را بر شمرده که موجب شود فقر رخت بر بندد و باعث عدالت اقتصادی گردد. برخی از این راهکارها آورده می‌شود:

انفاق

توصیه‌های فراوان به انفاق و احسان مالی به نیازمندان و توزیع عادلانه ثروت و عدالت اقتصادی در قرآن همه به منظور ایجاد شرایط اقتصادی مناسب و جلوگیری از پدید آمدن بحران‌های اقتصادی است که می‌توانند زمینه‌های انحراف از معیارهای صحیح اقتصادی را فراهم آورند و افزایش جرم و بزهکاری را به دنبال داشته باشند (خسروشاهی، ۱۳۹۳: ۷۰).

یکی از اهداف حکومت اسلامی پیشگیری از فاصله طبقاتی است؛ در نتیجه مراکز مختلف حکومتی با فرهنگ سازی انفاق می‌تواند در جهت از بین بردن فاصله طبقاتی و ایجاد برابری در جامعه گام بردارند تا در این راستا از گناهان مالی در جامعه جلوگیری به عمل آید.

منع از ذخیره کردن مال

در آیه ۳۴ سوره توبه می‌خوانیم: ﴿وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ أَلْهَبَ وَالْفِصَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ﴾ «و کسانی که طلا و نقره را گنج کرده و در راه خدا خرج نمی‌کنند به عذابی دردناک بشارتشان ده.»

آیه فوق صریحاً ثروت‌اندوزی و گنجینه‌سازی اموال را تحریم کرده است و به مسلمانان دستور می‌دهد که اموال خویش را در راه خدا، و در طریق بهره‌گیری بندگان خدا به کار اندازند، و از اندوختن و ذخیره کردن و خارج ساختن آنها از گردش معاملات به شدت بپرهیزند، در غیر این صورت باید منتظر عذاب دردناکی باشند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۷/ ۳۹۴).

اعتدال و میانه روی در مصرف

در آیاتی به رعایت اعتدال و میانه روی در مصرف و دوری از اسراف تأکید شده است. آیه ۳۱ سوره اعراف می‌فرماید: ﴿كُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا﴾ «خورید و بیاشامید ولی اسراف نکنید.» بر اساس این آیه مصرف در راستای تأمین نیازهای واقعی خود و دیگران قرار می‌گیرد. انسان اگر در استفاده از نعمت‌های الهی معتدل باشد و این استفاده را جهت دهی عقلانی دهد، جلوی بسیاری از بریز و پاش‌ها در زندگی فردی و اجتماعی گرفته می‌شود و این زمینه‌ای برای حفظ منابع و ذخایر کشور می‌شود و بستری برای پیشگیری از فقر که زمینه‌ساز برخی گناهان اجتماعی است، به وجود می‌آورد.

جلوگیری از کسب درآمد نامشروع

در آیات متعددی از کسب درآمد نامشروع منع شده است؛ مانند آیات مرتبط به اکل مال به باطل. در سوره بقره آیه ۱۸۸ می‌خوانیم: ﴿وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ﴾ «و مخورید مال‌های خود را در میان یکدیگر بنا مشروع.» از این آیه استفاده می‌شود: اولاً؛ مال یک‌دیگر را بیهوده و ناشایست مخورید؛ مانند دزدی و خیانت و ظلم. ثانیاً؛ مال خود را بیهوده و اسراف خرج نکنید؛ مانند قمار و دیگر اعمال ناشایسته. و مقصود از اکل خوردن تنها نیست بلکه کلیه‌ی تصرفات است (عاملی، ۱۳۶۰: ۱/ ۳۱۲).

انجام تکالیف و عبادت

یکی از عوامل پیشگیری کنشی ارتباط با سرچشمه هستی و انجام اعمال عبادی و تکالیف خدای متعال است. در ذیل به برخی از این عبادات که ابزار پیشگیری از گناهان معرفی شده‌اند، اشاره می‌شود:

نماز

قرآن نماز را یکی از ابزار پیشگیری معرفی کرده است. نمازی که با آگاهی به جا آورده شود، موجب طهارت روح و قرب الهی می‌گردد (بهجت‌پور، ۱۳۸۵: ۱۹۵). برای نمونه قرآن در سوره عنکبوت آیه ۴۵ می‌فرماید: ﴿إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ﴾ «نماز از فحشا و کار ناپسند باز می‌دارد. یاد خدا بزرگتر است خدا آنچه را که می‌کنید می‌داند».

علت بازدارندگی نماز این است که انسان را متوجه خدای یکتا می‌کند (بروجردی، ۱۳۶۶: ۵/ ۲۲۲) انسانی که به نماز می‌ایستد تکبیر می‌گوید، به یاد نعمت‌های او می‌افتد برای خدا رکوع می‌کند و در پیشگاه او پیشانی بر خاک می‌نهد و به یاد روز جزا می‌افتد و... همه این امور موجی از معنویت در وجود او ایجاد می‌کند موجی که سد نیرومندی در برابر گناه می‌شود (کریمی یزدی، ۱۳۸۴: ۷۵). همچنین شرط حلال بودن مکان و لباس نماز گزار، انسان را از تجاوز به حقوق دیگران باز می‌دارد. توجه به پوشش مناسب در نماز، انسان را از برهنگی و بی‌حیایی حفظ می‌کند (قرآتی، ۱۳۸۸: ۲۳۱).

روزه

یکی از احکام پیشگیرانه روزه داری است که قرآن مؤمنان را دعوت به آن کرده است. این عبادت نیز مانند نماز به کنترل نفس در برابر گناه کمک می‌کند.

روزه توانایی و مقاومت در برابر خواسته‌های نامشروع نفس را تقویت می‌کند. (خسروشاهی، ۱۳۹۳: ۷۰) قرآن در آیه ۱۸۳ بقره علت تشریح روزه را کسب تقوا دانسته است. روزه‌داری موجب کاستن حدت و شدت دلخواهی و استکبار انسان می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۵/ ۲). بدیهی است که با روزه گرفتن انسان می‌تواند نفس خویش را کنترل کرده و زمام آن را بدست آورد. در این صورت یکی از آثار آن می‌توان کنترل نفس در مقابل انواع گناهان باشد.

تفسیر فخر رازی در ذیل آیه ۳۲ اعراف آورده است که عثمان بن مظعون خدمت پیامبر ﷺ آمد و از تصمیم خود نسبت به عقیم کردن و راهب شدن و فاصله گرفتن از زن و عطر و اجتماع خبر داد. حضرت آن را نفی کرد و فرمود: «خضاء امتی الصیام» عقیم شدن (عامل بازدارنده از شهوت جنسی منحرف) برای امت من روزه است (فخر رازی، ۱۴۱۰: ۶۷/ ۷). مطابق این حدیث گاهی انسان باید به جای از بین بردن وسیله گناه (عقیم کردن) آن را جهت دهد و از راه صحیح غریزه جنسی را برطرف نماید و برای کنترل آن روزه بگیرد.

زکات

در کنار نماز معمولاً توصیه به زکات شده است، که فرد را از منکر بی تفاوتی در برابر محرومان و جامعه را از منکر فقر که زمینه رویکرد به منکرات است باز می‌دارد. از طرف دیگر نماز دستوراتی دارد که رعایت آن انسان را از گناه باز می‌دارد. در آیه ۳ سوره نمل آمده است: ﴿الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ﴾ «کسانی که نماز را بر پا می‌دارند، زکاة را می‌دهند و به آخرت ایمان می‌آورند.» استفاده صحیح زکات بسترهای ارتکاب گناه را از بین می‌برد. علت تشریح زکات این است که غذای فقرا فراهم گردد و از طرفی باعث در امان ماندن اموال اغنیاست؛ زیرا خدای متعال اهل رفاه را نسبت به بلاهای اهل زمانه مکلف نموده است (صدوق، علل الشرائع، ۱۴۱۵ق: ۵۰۱).

فقر مالی و فرهنگی یکی از عوامل مهم ارتکاب جرم و گناه در جامعه است و زمینه ساز به وجود آوردن افراد بزه‌دیده در سطح جامعه می‌شود. استفاده از زکات برای کمک به نیازمندان و ایجاد مراکز فرهنگی و ساختن مراکز اصلاح و تربیت و رونق اقتصادی همه باعث پیشگیری از جرم و فساد در جامعه می‌گردد.

نتیجه‌گیری

- قرآن راهکارهای پیشگیرانه در سه حیطه باورها (پیشگیری بینشی)، تمایلات و گرایشات (پیشگیری گرایشی) و رفتار و اعمال (پیشگیری کنشی) ارائه داده است:
۱. قرآن راهکارهایی بینشی برای پیشگیری از گناهان اجتماعی ارائه کرده است؛ از جمله تأکید بر نظارت الهی و ایمان به معاد.
 ۲. قرآن راهکارهایی گرایشی برای پیشگیری از گناهان اجتماعی ارائه نموده است؛ از جمله تأکید بر مکارم اخلاقی همچون صبر، تقوا، اجتناب از حسادت می‌باشد.
 ۳. قرآن راهکارهایی کنشی برای پیشگیری از گناهان اجتماعی ارائه نموده است همچون راهکارهای اجتماعی، راهکارهای اقتصادی و انجام عبادات.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
- الف) کتب
۲. ابن عجبیه، احمد بن محمد (۱۴۱۹ق). *البحر المدید فی تفسیر القرآن المجید*، دکتر حسن عباس زکی، قاهره، بی‌جا.
۳. ابن کنیر، دمشق‌ی اسماعیل بن عمرو (۱۴۱۹ق). *تفسیر القرآن العظیم (ابن کنیر)*، دار الکتب العلمیه، منشورات محمدعلی بیضون، بیروت، چاپ اول.
۴. اصفهانی، حسین بن محمد راغب (۱۴۱۲ق). *مفردات ألفاظ القرآن*، در یک جلد، دار العلم - الدار الشامیه، لبنان - سوریه، چاپ اول.
۵. امینی، ابراهیم (۱۳۸۷). *اسلام و تعلیم و تربیت*، موسسه بوستان کتاب، قم، چاپ سوم.
۶. بدی میانجی، محمد (۱۳۸۸). *نقش حکومت در پیشگیری از جرم*، نور السجاد، چاپ اول.
۷. بروجردی، سید محمد ابراهیم (۱۳۶۶). *تفسیر جامع*، انتشارات صدر، تهران، چاپ ششم.
۸. بنیاد پژوهش‌های اسلامی (۱۳۷۷). *تفسیر هدایت*، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اول.
۹. بها الدینی، رضا (۱۳۷۵). *مجموعه‌ای از درس‌های اخلاق*، قدس، چاپ اول.
۱۰. بهجت پور، عبد الکریم؛ رضایی اصفهانی، محمد علی؛ کلاتری، ابراهیم؛ نصیری علی (۱۳۸۵). *تفسیر موضوعی قرآن کریم*، مرکز نشر معارف تدوین نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری، چاپ دهم.
۱۱. بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸ق). *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ اول.
۱۲. تستری، ابو محمد سهل بن عبدالله (۱۴۲۳ق). *تفسیر التستری*، منشورات محمدعلی بیضون / دارالکتب العلمیه، چاپ: بیروت، چاپ اول.
۱۳. ثعلبی نیشابوری، ابو اسحاق احمد بن ابراهیم (۱۴۲۲ق). *الکشف و البیان عن تفسیر القرآن*، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ اول.
۱۴. جاویدی، مجتبی، زیر نظر محسن قرائتی و دکتر حسین میر محمد صادقی (۱۳۹۲). *تفسیر موضوعی قرآن کریم با رویکرد حقوقی*، قم، دفتر نشر معارف، چاپ اول.
۱۵. جرجانی، ابو المحاسن حسین بن حسن (۱۳۷۷). *جلاء الأذهان و جلاء الأخران*، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، چاپ اول.
۱۶. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶). *تفسیر انسان به انسان اسرا*، چاپ سوم.
۱۷. حائری تهرانی، میر سید علی (۱۳۷۷). *مقتنیات الدرر و ملتقطات الثمر*، دار الکتب الاسلامیه، تهران، بی‌جا.
۱۸. حسنی، سید مجید (۱۳۷۹). *گناه و ناهنجاری عوامل و زمینه‌های آن*، دار الغدیر قم، چاپ اول.
۱۹. حسین مظاهری (۱۳۹۱). *اخلاق در خانواده*، قم، دفتر نشر معارف، بی‌جا.
۲۰. حسینی شیرازی، سید محمد (۱۴۲۴ق). *تقریب القرآن الی الأذهان*، دار العلوم، بیروت، چاپ اول.
۲۱. حسینی، شاه عبدالعظیمی حسین بن احمد (۱۳۶۳). *تفسیر اثنا عشری*، انتشارات میقات، تهران، چاپ.

۲۲. حلی، سید ابن طاووس، رضی الدین، علی (۱۴۱۵ق). *الإقبال بالأعمال الحسنة* (ط - الحديثة)، ۳ جلد، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم - ایران، چاپ اول.
۲۳. خسرو شاهی، قدرت الله (۱۳۹۳). *پیشگیری از جرم در آموزه‌های قرانی*، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و بنیاد پژوهش‌های اسلامی استان قدس رضوی، قم، جعفری چاپ اول.
۲۴. رضایی اصفهانی، محمد علی (۱۳۸۷). *تفسیر مهر*؛ ۲۴ جلد، قم، انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرانی، چاپ اول.
۲۵. رضایی اصفهانی، محمد علی (۱۳۹۰). *منطق تفسیر قرآن*، ۳ جلد، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصنفی، چاپ دوم.
۲۶. زرگری، سید مهدی (۱۳۹۰). *پیشگیری از بزهکاری*، نگاه بینه، تهران، چاپ اول.
۲۷. زحیلی، وهبه بن مصطفى (۱۴۱۸ق). *التفسیر المنیر فی العقیة و الشریعة و المنهج*، دار الفکر المعاصر، بیروت دمشق، چاپ دوم.
۲۸. زحیلی، وهبه بن مصطفى (۱۴۲۲ق). *تفسیر الوسیط* (زحیلی)، دار الفکر، دمشق، چاپ: اول.
۲۹. زمخشری، محمود (۱۴۰۷ق). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، دار الکتب العربی، بیروت، چاپ: سوم.
۳۰. سادات، محمد علی (۱۳۸۰). *اخلاق اسلامی*، شرکت چاپ و نشر لیلی.
۳۱. سبحانی، جعفر (۱۴۰۰ق). *منشور جاوید قرآن*، اصفهان، کتابخانه عمومی امیرالمؤمنین علی علیه السلام.
۳۲. سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله (۱۴۰۶ق). *الجدید فی تفسیر القرآن المجید*، دار التعارف للمطبوعات، بیروت، چاپ: اول.
۳۳. سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله (۱۴۱۹ق). *ارشاد الازدهان الی تفسیر القرآن*، دار التعارف للمطبوعات، بیروت، چاپ: اول.
۳۴. ستوده، هدایت الله (۱۳۸۹). *آسیب‌شناسی اجتماعی*، آوای نور، تهران، چاپ بیست و یکم.
۳۵. شجاعی، محمد (۱۳۸۹). *رساله محبت*، سروش، تهران، چاپ سوم، ص ۱۷.
۳۶. شریف لاهیجی، محمد بن علی (۱۳۷۳). *تفسیر شریف لاهیجی*، دفتر نشر داد، تهران، چاپ: اول.
۳۷. شوکانی، محمد بن علی (۱۴۱۴ق). *دار ابن کثیر*، فتح القدیر، دار الکتب الطیب، دمشق، بیروت، چاپ: اول.
۳۸. صادقی تهرانی، محمد (۱۴۱۹ق). *البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن*، ناشر مؤلف، قم، چاپ: اول.
۳۹. صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۵ق). *علل السرائع*، انتشارات کلمة الحق، چاپ اول.
۴۰. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ: پنجم.
۴۱. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۷). *تفسیر جوامع الجامع*، انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم، تهران، چاپ: اول.
۴۲. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، انتشارات ناصر خسرو، تهران، چاپ: سوم.
۴۳. طریحی، فخر الدین (۱۴۱۶ق). *مجمع البحرین*، ۶ جلد، کتابفروشی مرتضوی، تهران - ایران، سوم.
۴۴. طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا). *التبیان فی تفسیر القرآن*، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی‌چاپ.
۴۵. طیب، سید عبد الحسین (۱۳۷۸). *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، انتشارات اسلام، تهران، چاپ: دوم.
۴۶. عاملی، ابراهیم (۱۳۶۰). *تفسیر عاملی*، انتشارات صدوق، تهران، بی‌چاپ.

۴۷. عاملی، علی بن حسین (۱۴۱۳ق). *الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز*، دار القرآن الکریم، قم، چاپ: اول.
۴۸. عبدالله جوادی آملی (۱۳۸۸). *تسنیم*، تحقیق علی اسلامی، مزسه اسراء، قم، چاپ دوم، ۲۲ جلد ج ۹.
۴۹. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵ق). *تفسیر نور الثقلین*، انتشارات اسماعیلیان، قم، چاپ: چهارم.
۵۰. عزیزی، اکبر (۱۳۹۲). *پیشگیری از جرایم جنسی*، انتشارات خرسندی، تهران، چاپ اول.
۵۱. علاء الدین، علی بن محمد (۱۴۱۵ق). *لباب التاویل فی معانی التنزیل*، دار الکتب العلمیه، بیروت، چاپ: اول.
۵۲. عزیزاده، امیر خادم (۱۳۹۲). *تفسیر موضوعی قرآن کریم با رویکرد اقتصادی*، قم، دفتر نشر معارف، چاپ اول.
۵۳. فخرالدین رازی، ابوعبدالله محمد بن عمر (۱۴۲۰ق). *مفاتیح الغیب*، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ: سوم.
۵۴. فضل الله، سید محمد حسین (۱۴۱۹ق). *تفسیر من وحی القرآن*، دار الملائک للطباعة و النشر، بیروت، چاپ: دوم.
۵۵. فیض کاشانی، محسن (۱۴۱۸ق). *الأصفی فی تفسیر القرآن*، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ: اول.
۵۶. فیض کاشانی، محسن (۱۴۱۵ق). *تفسیر الصافی*، انتشارات الصدر، تهران، چاپ: دوم.
۵۷. فیضی دکنی، ابوالفضل (۱۴۱۷ق). *سواطع الالهام فی تفسیر القرآن*، دارالمنار، قم، چاپ: اول.
۵۸. قرآتی، محسن (۱۳۸۸). *پرتوی از نور، گزیده تفسیر نور*، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، اول.
۵۹. قرآتی، محسن (۱۳۸۳). *تفسیر نور*، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، تهران، چاپ: یازدهم.
۶۰. قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۷). *تفسیر احسن الحدیث*، بنیاد بعثت، تهران، چاپ: سوم.
۶۱. قرشی، سید علی اکبر (۱۴۱۲ق). *قاموس قرآن*، ۷ جلد، دار الکتب الإسلامیه، تهران - ایران، ششم.
۶۲. کاشانی، محمد بن مرتضی (۱۴۱۰ق). *تفسیر المعین*، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، قم.
۶۳. کریمی یزدی، حسن (۱۳۸۴). *آثار شگفت انگیز نماز در پیشگیری و درمان بیماری‌ها*، سنابل، چ اول.
۶۴. محمد نسل، غلامرضا (۱۳۹۱). *مبانی پیشگیری از جرم*، بنیاد حقوقی میزان، تهران، چاپ اول.
۶۵. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۶۲). *میزان الحکمه*، دوره ۱۰ جلدی، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ج ۳.
۶۶. مدبر، محمد حسین (۱۳۹۴). *بررسی تطبیقی جرایم و مجازات‌ها در قرآن کریم و کتاب مقدس*، دفتر نشر معارف، قم، چاپ اول.
۶۷. مشکینی، علی (۱۴۲۴ق). *دروس اخلاق*، قم، الهادی، چاپ ۵.
۶۸. مشکینی، علی (۱۳۸۶). *مصطلحات الفقه*، قم، الهادی.
۶۹. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۷۷). *اخلاق در قرآن*، موسسه آموزشی امام خمینی، دوم.
۷۰. مظهری، محمد ثناءالله (۱۴۱۲ق). *التفسیر المظهری*، مکتبه رشديه، پاکستان.
۷۱. مغنیه، محمد جواد (بی تا). *التفسیر المبین*، بنیاد بعثت، قم.
۷۲. معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه (۱۳۹۱). *رهیافت‌های نوین پیشگیری از جرم*، نشر میزان، تهران، چاپ اول.
۷۳. مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۴ق). *تفسیر الکاشف*، دار الکتب الإسلامیه، چاپ: تهران، چاپ: اول.
۷۴. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۱ق). *الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل*، مدرسه امام علی بن ابی طالب، چاپ: قم، چاپ: اول.
۷۵. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*، دار الکتب الإسلامیه، تهران، چاپ: اول.

۷۶. منتظری، حسین علی (۱۳۸۷). *اسلام دین فطرت*، تهران، سایه، چاپ سوم، ۱۳۸۷.
۷۷. مهدوی، محمود (۱۳۹۰). *پیشگیری از جرم، (پیشگیری رشد مدار)*، سمت، تهران، چاپ اول.
۷۸. مهدوی کنی، محمد رضا (۱۳۸۶). *خلاق عملی*، انتشارات مسجد مقدس جمکران، اسوه، چ دوم.
۷۹. میر خلیلی، سید محمود (۱۳۸۸). *پیشگیری وضعی از بزهکاری*، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول.
۸۰. نراقی، مهدی، ترجمه مجتبی، سید جلال‌الدین (۱۳۷۷). *جامع السعادات*، انتشارات حکمت، تهران، چاپ چهارم.
۸۱. نیشابوری، محمود بن ابو الحسن (۱۴۱۵ق). *ایجازالبیان عن معانی القرآن*، دار الغرب الاسلامی، بیروت، چاپ: اول.
- ب) مقالات
۸۲. خسروشاهی، قدرت‌الله، پیشگیری از جرم در آموزه‌های قرآنی، *پژوهش‌های مدیریت راهبردی*، شماره ۳۱-۳۰، ص ۲۵.
۸۳. زکی، عبدالله (نیم‌سال اول تحصیلی ۹۲-۹۱). *تقریرات سلسله درس‌های جرم‌شناسی استاد قماش‌سی، مدرسه عالی فقه تخصصی*، ص ۱۴.
۸۴. صادقی، علی (۱۳۹۱). «از محبت خدا تا ترک گناه»، *مجله پیشگیری*، شماره ۳۵، ص ۳۲.
۸۵. صادقی، علی (۱۳۹۰). مقاله «پیشگیری از جرم از نگاه دین» *مجله پیشگیری*، شماره ۳۴.
۸۶. کلدی، علی رضا (۱۳۸۱). *انحراف جرم پیشگیری، فصل نامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال ۲، شماره ۳، ص ۵۲.
۸۷. فقیهی، علی نقی (تیر، مرداد و شهریور ۱۳۷۶). *تقوا و آثار تربیتی آن*، *مجله تربیت*، شماره ۱۲۰.
۸۸. هدوی تهرانی، مهدی، مجید معتضدی، بررسی رویکرد قرآن مجید به مجازات، *پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم*، سال ۲، شماره ۷، ص ۸۹.